

■ محمدحسین حقیقت

نقش و کار کرد سریال‌های فاخر تلویزیونی از جمله واقعیت‌های رسانه‌ای است که به سادگی نمی‌توان از کنار آن عبور کرد. هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای جهان و شبکه‌های بزرگ تلویزیونی سربال‌ها از یک کالای صرفاً تجاری یا باسرگرم‌کننده‌فراتر رفته و به ابزارهایی برای انتشار و آموزش سبک زندگی و مکاتب فکری و حتی قرائت‌های خاص تاریخی تبدیل شده‌اند. اگر چه در کشور ما طی یک دهه گذشته سربال‌های فاخری همچون «مختار نامه» و «یوسف پیامبر» تولید و پخش شده و گستره مخاطبان آنها از مرزها هم عبور کرده است، اما با ظاهر آهنگز هم ضرورت ساخت و حمایت از اینگونه آثار دینی و قرآنی، در ذهن بسیاری از متولیان فرهنگی و رسانه‌ای ما از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نیست. سربال «یوسف پیامبر» به کارگردانی مرحوم فرج‌الله سلحشور بارها از شبکه‌های تلویزیونی کشورهای اسلامی و برخی کشورهای غیراسلامی پخش شده است و حتی به گفته بسیاری از کارشناسان این سربال روی فضای پیداری اسلامی در آن کشورها هم تأثیرگذار بوده است. اما با وجود چنین اهمیت و تجربیاتی، ساخت سربال «موسی کلیم الله(ع)» آخرین فیلمنامه مرحوم سلحشور، همچنان با موانع و مشکلات عدیده‌ای رو به‌رو است. در گفت‌و با فرزندان فرج‌الله سلحشور به بازخوانی و ویژگی‌های این سربال عظیم قرآنی و موانعی که هم‌اینک پیش‌روی آن قرار گرفته است، پرداخته‌یم.
حجت‌الاسلام والمسلمین بهصیر سلحشور که از کودکی در کنار پدر و حتی با حضور در برخی آثار او، تجربیات عملی فراوانی در زمینه سربال‌های قرآنی کسب کرده است، در حوزه علمیه هم ضمن پژوهش و تألیف در متون دینی و قرآنی، به تحصیل و تبلیغ اشتغال دارد. گفت‌وگوی ما با او پیش‌روی شماست. ■■■

با مقدمه نسبتاً مبسوطی که درباره ضرورت پرداختن به جاذبه هنری قرآن و توجه به سربال‌های قرآنی اشاره کردید، می‌خواهیم به فیلمنامه سربال موسی(ع) اشاره کنیم، اما قبل از آن مایلیم که جنابعالی هم به عنوان فرزند مرحوم سلحشور که سال‌ها به طور عملی و عینی در محضر ایشان کسب تجربه کرده‌اید و هم به عنوان یک کارشناس قرآنی و پژوهشگر علوم دینی، نگاه کارشناسانه خودتان را نسبت به ویژگی‌ها و تفاوت‌های این دو سربال بیان کنید.

داستان‌های قرآنی در اهمیت قرفی با یکدیگر نبردارند. البته مفسرین این بیان را دارند که بهترین نوع قصه‌گویی در داستان حضرت یوسف است که به «حسن القصص» هم تعبیر شده است. تفاوت داستان یوسف(ع) با موسی(ع) در قرآن، در حجم داستان است به گونه‌ای که بیشتر از هزار آیه یعنی حدود یک ششم قرآن به موسی و قوم بنی اسرائیل اختصاص دارد که خود این مطلب به تنهایی از ویژگی‌های زندگانی حضرت موسی حکایت دارد و طبیعتاً حساسیت‌ها و جذایب‌های فیلمنامه و سربال را هم نمایان می‌کند. داستان حضرت یوسف دارای اهمیت‌ها و جذابیت‌هایی است که در داستان مشاهده کردیم و داستان حضرت موسی هم اهمیت‌های خاص خودش را دارد ولی حجم دو کار به هیچ وجه با یکدیگر قابل مقایسه نیست. یعنی اگر داستان حضرت یوسف(ع) ۱۰ نکته کلیدی برای بیان داشته باشد، داستان موسی بالغ بر یکصد نکته دارد و به همین نسبت حجم مسائل و اتفاقاتی که در فیلمنامه موسی وارد می‌شود، واقعاً قابل قیاس با هیچ یک از داستان‌های دیگر قرآنی و حتی سربال یوسف پیامبر هم نیست. از پراهمیت‌ترین و مهم‌ترین اتفاقات تاریخ، اتفاقاتی است که پیرامون قوم بنی اسرائیل و حضرت موسی در جریان بوده است. ما در این سربال عظیم قرآنی و تاریخی، از توحید، نبوت و عصمت انبیا گرفته تا مقوله امامت و بحث انتظار هم مطلب داریم. درساره مبارزه با بی‌دینی و فرهنگ صهیونیستی، مبارزه بامادی‌گری و شیطان‌پرستی و خیلی مطلب موشکافانه دیگر، بر مبنای همین تعالیم قرآن و تفاسیر مربوطه، در این فیلمنامه صحبت شده است. این فیلمنامه محصول سال‌ها تلاش شبانه‌روزی پدرم به همراه یک تیم قوی از نویسندگان، پژوهشگران و کارشناسان علوم قرآنی است که با مشاورت دینی حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی طائب شکل گرفته است. در اهمیت و جایگاه کارهای حضرت موسی همین بس که هالیوود و سایر مراکز فیلمسازی دنیا در کشورهای مختلف غربی، بالغ بر ۷۰ فیلم سینمایی، سربال یا تانیمیشن درباره این داستان ساخته‌اند و حرف‌ها و برداشت‌های خود را مطرح کرده‌اند.

فیلمنامه سربال موسی کلیم الله(ع) محصول قلم و پژوهش کارگردانی است که سربال موفق و جهانی یوسف پیامبر را در کارنامه دارد. این مسئله نشان می‌دهد که مرحوم سلحشور با تجربیاتی بیشتر و درک بهتر از نیازها و واقعیت‌های جهانی اقدام به نگارش فیلمنامه موسی(ع) نموده است. با وجود تشنگی بشریت نسبت به درک مفاهیم و تعالیم قرآنی و ضرورت حمایت از اینگونه تولیدات، لطفاً فرماید مسئله ساخت این سربال هم اینک در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

پاسخ به پرسش شما قدری به تأمل و توضیح بیشتری نیاز دارد. حجت‌الاسلام مهدی طائب، راگزی که به عنوان یک چهره سیاسی می‌شناسند، اما واقعیت این است که ایشان بخش زیادی از عمر خویش را صرف متون دینی از جمله تحقیق روی داستان حضرت موسی(ع) و قوم بنی اسرائیل معطوف کرده و تحقیقات دامنه‌داری را در این زمینه به ثمر رسانده است. حدود ۱۵ سال پیش و برای اولین بار پدرم نزد ایشان مراجعه کردیم و از ایشان خواستیم مشاورت مذهبی این سربال را بر عهده بگیرند و در کنار این کار قرآنی باشند. ایشان در جلسه اول ضمن اینکه نکات قابل تأملی را بیان کردند، رو به پدرم گفتند: «آقای سلحشور! من تاجایی که بتوانم در این کار به شما کمک می‌کنم ولی از این بشنوید که این سربال ساخته نمی‌شود!» گفتیم چرا؟ ایشان ضمن بیان برخی مسائل مثالی زدند که در اوایل انقلاب کتاب‌هایی درباره اسرار یهود یا صهیونیست چاپ می‌شد که صهیونیست‌ها آن اسرار را پنهان کرده بودند. گاهی مشاهده می‌شد که تنها در یک روز حدود ۵ هزار نسخه از آن خریداری می‌شد. واضح بود که این اقدام با واسطه یا بی‌واسطه توسط خود صهیونیست‌ها انجام



موانع تولید سربال موسی(ع)

در گفت‌وگوی «جوان» با حجت‌الاسلام والمسلمین بهصیر سلحشور

مشکل آقایان

با معجزات موسی(ع) است!

عده‌ای در داخل سازمان یافته شده نمی‌خواهند سربال حضرت موسی(ع) ساخته شود همچنان که دشمن نمی‌خواهد ولی لازم شد، افشاگری می‌کنیم

شده و کتاب‌ها را به این شکل جمع می‌کردند تا واقعیت‌ها به دست مردم نرسد. تمام دغدغه صهیونیست‌ها این است که اگر قرار است هر تعریفی از داستان موسی و قوم بنی اسرائیل شود، این کار توسط خود آنها و با قرائت‌های خاص خودشان صورت گیرد نه بر اساس سایر قرائت‌ها یا قرائت‌های قرآنی و...

این نگاه و تلاش همیشه صهیونیست‌هاست که نمی‌توان آن را انکار کرد. سؤال این است که ساخت چنین اثر فاخری در داخل کشور چرا باید با مشکلاتی روبه‌رو باشد. متأسفانه دهها بلکه صدها اولویت و ضرورت برای ساخت این مجموعه تلویزیونی پر مخاطب می‌توان بر شمرده، اما ما همچنان با خبرهای ناخوشایندی درباره ساخت این اثر قرآنی روبه‌رو هستیم.

اتفاقاً سؤال مهم مانیز همین است. با شنیدن صحبت‌های اولیه جناب آقای طائب، ما ابتدا گمان می‌کردیم که ایشان بی‌اگه ولی متأسفانه در روند کار بارها و بارها متوجه شدیم دست‌هایی وجود دارد که مانع از ساخت این سربال قرآنی است به گونه‌ای که هر از گاهی به طرق مختلف بر سر راه تولید این کار مانع تراشی می‌کنند. دست‌های پیدا و پنهانی که نه برای مرحوم سلحشور و نه برای ما هرگز پوشیده نبود و اگر قتش فرابرسد، مفصل و مستدل درباره آن سخن خواهیم گفت. البته پدرم با آن توکل و شجاعتی که از ایشان سراغ دارید، بارها گفته بودند که حتی در همین جمهوری اسلامی که قرار بود اسلام و مفاهیم قرآنی به بهترین شکل ممکن تبیین و به مردم جهان عرضه شود، کسانی هستند که مانع این کار می‌شوند و حتی ایشان اعتقاد داشت که هیچ بعید نیست عقیه این جریان و مانع تراشی‌ها خواسته یا ناخواسته با چند واسطه به صهیونیست‌ها برسد. مرحوم سلحشور بالغ بر دو سال پیش نگارش فیلمنامه را به اتمام رسانده و به تلویزیون واگذار کرده‌اند. الان هم حدود یک سال و نیم از فوت ایشان می‌گذرد. در طول این سال‌ها چند سربال دم دستی در تلویزیون مشاهده کرده‌اید؟

به نظر شما چه دست‌هایی در کارند که علی‌الدوام تلاش دارند سربالی را که مسئولان وقت سازمان ادعان داشتند که بهترین گزینه برای ساخت است، از اولویت خارج کنند و کارهای سطحی دیگری را جایگزین آن سازند؟ **این مانع تراشی‌ها به خاطر چیست؟ آیا با فیلمنامه و روح حاکم بر آن مشکل دارند یا با شخصیت، آرمان و منش فکری مرحوم سلحشور؟**

من سؤالی می‌پرسم و قضاوت آن با مردم. پدرم حداقل



برای ساخت و حتی جزئیات ساخت این سربال قرآنی تصمیم بگیرند و با استضعاف قلم و عقیده خود برای فیلمنامه شخصیتی مانند سلحشور که چندین اثر قرآنی را با اقبال گسترده به جهان عرضه کرده، نظر بدهند یا با ایجاد تشکیک و شبه‌افکنی‌های گوناگون و مقایسه‌های ناروا، هر روز مانع جدیدی را بر سر راه سربال «موسی کلیم الله(ع)» و سازندگان آن ایجاد نمایند. یقین بدانید که اگر ضرورت اقتضا کند و این کار شکنی‌ها در برابر قرآن ادامه پیدا کند، ما نه به عنوان ورثه مرحوم سلحشور بلکه در دفاع از مظلومیت قرآن، نسبت به معرفی این چهره‌ها و جریان‌ها و افشای دست‌های پشت پرده، دریغ نخواهیم کرد.

این مانع تراشی‌ها معطوف به چه موضوعاتی است؟ آیا روی کارگردانی این کار بحث دارند یا موضوعات دیگر؟ این مخالفت‌ها و ممانعت‌هایی را که اشاره کردید، چگونه دسته‌بندی می‌کنید؟

متأسفانه تاکنون عمده حرف‌هایی که در این باره مطرح کرده‌اند صرفاً بهانه‌هایی بیش نبوده که ریشه آن را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. در کشور ما برای یک فیلم سینمایی تاریخی که برای زندگی حضرت محمد(ص) اختصاص دارد، بودجه بسیار بالایی اختصاص می‌دهند که اتفاقاً مورد تأیید ما هم هست و دعا می‌کنیم که آقای مجیدی و همه سازندگان این اثر دینی از دست پیامبر اکرم (ص) سرباشوند حرف ماین است حال اگر همین مبلغی که برای یک فیلم سینمایی هزینه شده است برای یک سربال ۶۲ قسمتی هزینه شود آیا باید به ولخرجی و تشکیک در شخصیت سازندگان اثر تعبیر شود؟ این از همان بهانه‌هایی است که با هیچ شیوای نمی‌توان آن را توجیه کرد. جالب اینجاست که برای این کار مهم قرآنی، چند حامی مالی پیدا شده که هر یک به تنهایی حاضرند کل سرمایه این کار یک‌جا پرداخت کنند تا در این کار قرآنی و دینی سهیم باشند. حتی یکی از همین حامیان مالی که هویتی ساختگی دارد با سازندگان سربال به تفاهم کامل رسیده و به صدا همچنان کار شکنی می‌کند یا می‌گویند مبلغی که برای این کار در نظر گرفته شده، رقم بالایی است! مگر شما قرار است هزینه آن را پرداخت کنید؟ شما برای ساخت برخی سربال‌ها که در لودگی و سر کار گذاشتن مردم ید طولایی دارند، بودجه کافی دارید

و از چند حامیان مالی هم عاجزید ولی برای عوامل سازنده این کار قرآنی که حامی مالی را هم خودشان پیدا کرده‌اند و حاضرند بدون هیچ هزینه‌ای آن را برای صدا و سیما بسازند، دالفا مانع تراشی می‌کنید. ما می‌گوییم بر فرض که شما پول ساختی چنین سربال فاخری را ندارید و از تأمین هزینه آن عاجزید، چرا اجازه نمی‌دهید آن را بیرون از سازمان بسازیم و برای بخش به شما بدهیم؟ می‌گویند سربال متعلق به ماست و مالکیت فیلمنامه آن را ماست. متغلی که متعلق به شماست؟ ما می‌گوییم اگر بودجه ندارید، اجازه بدهید خودمان آن را بسازیم. بسیار تأسف‌آور

است که در طول این مدت رفتارها و روش‌هایی در متوجه نباشند که چه زمینی‌بازی می‌کنند ولی ماهیت مختلف حامی مالی این سربال را از سرمایه‌گذاری پشیمان کنند که موفق نشده‌اند. اسناد این رفتارها تماماً موجود است. حامی مالی این سربال که یک نهاد حقوقی است، با برآوردهای دقیق و کارشناسانه که از کارآمدها و ارزآوری‌های این مجموعه تلویزیونی سربال است، معتقد است که این سربال بالغ بر حداقل پنج برابر سرمایه‌گذاری خود از آوری و درآمدزایی دارد. بر اساس همین ارزیابی‌ها حتی حاضر است، به بیش از آنچه سازندگان سربال نیاز دارند، برای غنی‌تر شدن اثر فاخر بپردازد ولی مسئولان مربوطه در سیما همچنان بر طبل مخالفت می‌کوبند و برای کم کردن هزینه سربال به جرح و تعدیل فیلمنامه می‌پردازند و از کم کردن برخی معجزات حضرت موسی سخن می‌گویند بنده احساس می‌کنم این مبلعت‌ها و موانع را دیگر نمی‌توان به حساب بی‌خیالی‌ها گذاشت بلکه به وضوح پیداست که با برخی اغراض آلوده است.

درساره بحث کارگردانی آقای شورجه چطور، آیا درباره ساخت این اثر توسط این کارگردان هم حرف دارند؟

به ظاهر که مخالفتی ندارند ولی ناگفته پیداست که درباره ایشان هم شبهاتی وارد کرده‌اند و گاهی شنیده می‌شود که توانایی ایشان را برای ساخت این سربال بزرگ قرآنی زیر سؤال برده‌اند. آقای شورجه با تاقیل از ساخت سربال‌های اصحاب کهف و یوسف(ع)، چندین فیلم سینمایی کار کرده و برای فیلم‌هایی چون دایره سرخ، حماسه مجنون، سی و سه روز و... چندین سیمرخ جشنواره فجر را به خود اختصاص داده است، سربال‌هایی چون پرده عشق، پرونده‌های مجهول، شب چراغ، روایت انقلاب و... از جمله سربال‌هایی هستند که در همین تلویزیون به کارگردانی آقای شورجه پخش شده است. کارگردانی که بالغ بر ۲۰ اثر موفق سینمایی و تلویزیونی را در کارنامه دارد و تحصیلات عالیه او هم در حوزه سینماست، چگونه می‌توان در توانایی او تردید کرد؟ حال آن که در کنار این کارنامه طولانی حضور موفقی در دو سربال قرآنی دیگر یعنی اصحاب کهف و یوسف پیامبر هم داشته است. بنده به عنوان فرزند مرحوم سلحشور که طبیعتاً عرف خاصی نسبت به تولیدات پدرم دارم، اگر بخوام منصفانه قضاوت کنم باید بگویم که سهم جناب آقای شورجه در ساخت آن دو سربال قرآنی، کار بالای ۵۰ درصد نباشد، حداقل ۵۰ درصد هست! حقیقتاً ایشان بازوی توانمندی برای پدرم بودند و اگر وجود ایشان نبود، ساخت این سربال‌ها به خوبی پیش نمی‌رفت، بنا بر این چه کسی بهتر از ایشان؟ آیا کارگردانی‌هایی که در حال حاضر در سینما و تلویزیون داریم، مانند ایشان دارای تجربه عملی بوده و سا مبانی قرآن و داستان حضرت موسی آشنایی دارند؟ مقصود ما این نیست که درباره شخصیت یا توانمندی افراد قضاوت

کنیم. ما افراد را از عملکرد آنها می‌شناسیم و عملکرد جناب آقای شورجه در ساخت دواثر بزرگ قرآنی که مخاطبان داخلی و جهانی را به خود اختصاص داده، هم‌اکنون پیش روی ماست. قاعده‌ای در عالم هنر وجود دارد که متأسفانه برگرفته از مبانی سینمای غربی است. این قاعده می‌گوید که سینمای فاخر آن است که ما تعریف می‌کنیم و جذابیت هم آن است که ما می‌گوییم و نوع کارگردانی باید چنین باشد که ما تعریف می‌کنیم و قس علی هذا... متأسفانه در داخل هم عده‌ای همض در این موضوع شده و از همان استاندارد‌های غربی تبعیت می‌کنند. اساساً تعریف اینها از سربال فاخر، یک تعریف مجزاست. در نگاه اینها، سربال یوسف هم کار فخری نبود و این مانع تراشی‌ها بر سر راه آن سربال هم وجود داشت. حال آنکه آن سربال بنابر آمار خود تلویزیون بالغ بر ۳میلیارد مخاطب جهانی را به خود جذب و پیام قرآن را به درستی منتقل کرد.

نظر خود مرحوم سلحشور درباره ساخت این سربال توسط آقای شورجه چه بود؟ آیا سفارشی هم در این باره داشته‌اند؟

پدرم هرگز آقای شورجه را با هیچ یک از افراد در سینما مقایسه نمی‌کردند. ایشان با توجه به بیماری‌اش که در این اواخر به اوج رسیده بود هم به تصریح هم به تلویح و هم بنا به وصیت، تمام حرفشان این بود که اگر من نبودم، هیچ کس غیر از آقای شورجه این سربال را نسازد. ایشان واقعاً اعتقاد داشتند که این فیلمنامه قرآنی اگر به هر کسی سپرده شود در سربال تقریبی‌ای ایجاد می‌کند و برخی تیزی‌ها و پیام‌های آن را خشنی خواهد کرد. اعتقاد راسخ داشتند که آقای شورجه انسان معتقدی است و نسبت به پیام‌ها و منویات سربال نیز وفادار خواهد بود. به لحاظ علفه‌های قلبی و آرمانی هم تردیدی نیست که بین این دو بزرگوار چه صمیمیت‌ها و برادری‌هایی وجود داشته است. پدرم معتقد بودند که آقای شورجه هم فیلم تاریخی را به خوبی می‌شناسد و هم با داستان‌های قرآنی آشناست. در ایران هیچ کارگردانی نیست که فیلم مصری یا رومی ساخته باشد ولی سربال یوسف و اصحاب کهف، دو تجربه مشترکی است که این دو کارگردان در کارنامه خود دارند. جناب آقای شورجه در این باره صاحب تجربه است. دگورها و فضاهای رومی و مصری را به خوبی می‌شناسد که این امر دقیقاً ویژگی‌های سربال موسی(ع) را هم شامل می‌شود.

جنابعالی به لحاظ مبانی، توانایی‌های آقای شورجه را برای ساخت این سربال بزرگ قرآنی تشریح و به تأکیدات و وصیت پدرتان در این باره اشاراتی داشتید. سؤال من این است که اگر سازمان به هر دلیلی به این نتیجه برسد که با ایشان کار نکند یا بالعکس، کارشکنی‌ها آنقدر گسترده شود که آقای شورجه از همکاری با سازمان اعلام انصراف کند، شما عنوان ورثه مرحوم سلحشور چه تصمیمی خواهید گرفت؟

پدرمان در شرایطی برای واگذاری فیلمنامه سربال موسی(ع) به تلویزیون وارد مذاکره شد که او این کار در دوره مدیریت قبلی صورت گرفت و دوماً هرگز گمان ما و ایشان چنین نبود که از میان ما خواهد رفت. بنا بود این فیلمنامه توسط خود ایشان جلوی دوربین برود و هر گونه تغییرات احتمالی هم در هر زمینه‌ای با نظر ایشان اعمال شود چنانچه در مابقی کارهای ایشان هم چنین بوده است. حال ایشان از میان ما رفته‌اند و ما به عنوان وارث مرحوم سلحشور سؤالی داریم و این آن است که پدر ما زمانی که فیلمنامه این سربال را به صدا و سیما واگذار کرد آیا حق آتش زدن آن با حذف بسیاری از مبانی و پیام‌های کار را هم به تلویزیون بخشید؟ می‌ؤلفی دارای یکسری حقوق مادی و یکسری حقوق معنوی است. آیا حق پدر ما به عنوان مؤلف، فقط همان پولی بود که دریافت کردند و حق اظهار نظر و هیچ تصمیمی درباره محتوای فیلمنامه یا چگونگی ساخت سربال را نداشتند؟ واضح است که این سربال هم «موسی کلیم الله(ع)» از حقوق معنوی گسترده‌ای برخوردارند و این حقوق مؤلف امروز به طور کامل به ورثه ایشان شده و ورثه هم از این حقوق معنوی با جدیت حراست خواهند کرد. سکوت ما هم تا به امروز به این خاطر بوده که بر خلاف برخی کارشکنی‌ها و تلاطم‌هایی که از سوی برخی‌ها بدیده‌ام، هنوز هم به مدیریت صدا و سیما کاملاً امیدواریم و معتقدیم که در یک فضای تعامل با هم بهتر می‌توان به نتیجه رسید و وقتی شخصیتی شناخته شده و دارای دیدگاه روشن مثل فرج‌الله سلحشور فیلمنامه‌ای را به صدا و سیما می‌دهد واضح است که حرفش این باشد که من مطلبی نوشتم و نمی‌خواهم پیام‌ها و منویات آن از بین بماند و می‌خواهد آنگونه که من نوشته‌ام، جلوه پیدا کند و نمایش داده شود. دیدگاه‌های مرحوم پدرم و آثار تبلیغی ایشان، به خوبی خواسته‌های ایشان را درباره سربال موسی(ع) هم بیان می‌کند. با این اوصاف تکلیف محتوای فیلمنامه و موضوع کارگردانی هم به شما بگوید چون پول سنساریو را ما داده‌ایم پس مالکیت مادی و معنوی آن هم از آن ماست و ما تعیین می‌کنیم که چه کسی بسازد و چگونه ساخته شود یا چه چیزی‌هایی از آن را بسازیم یا حذف کنیم. حرف ما کاملاً مبتنی بر مبنای گوناگون و استدلال است. بنده در حضور رسانه‌ها حاضر م همه کسانی که به گونه‌ای کارشکنی می‌کنند جلسه بگذارم و از همه این مبانی و استدلال‌ها دفاع کنم. من حاضر در شش صفحه ۴۴ فقط تیر از آنه و دلایلی مطرح کنم که چرا باید این اثر توسط آقای شورجه ساخته شود و نه شخصی دیگر. گاهی شنیده می‌شود درباره ایشان هم ابرادانی بسیار پیش با افتاده مطرح می‌کنند. ما به هیچ وجه این حرف‌ها را قبول نداریم.